



University of Tehran Press

The desirable model of the legal system to support the people with visual impairments in Iran

Seyed Ahmad Habibnjad^{1✉} | Zahra Abedini²

1. Associate Prof., Department of Public Law, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: a.habibnezhad@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; PhD student in Public Law at Qom University and Secretary of the Blind Rights Committee of the Institute for the Development of Poverty Alleviation.
Email: zahraabedini6360@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1-28</p> <hr/> <p>Received: 2021/11/29</p> <p>Received in revised form: 2022/02/09</p> <p>Accepted: 2022/02/27</p> <p>Published online: ---/--/--</p> <hr/> <p>Keywords: <i>The Rights of the Blinds, Government Commitments, Proper Legislation, Accessibility Principles, Desirable Model, The rights of person with disabilities.</i></p>	<p>The people with visual impairments are an important part of the society. Their special condition requires them to have special civil rights in addition of their general civil rights. Human dignity and positive discrimination can be the fundamentals of law to support the blinds rights which the roots of these principles can be found in religious precepts and fundamentals of legal laws. In this study we are going to achieve a desirable model of legal system to support the blinds in addition to the privileges and rights that citizens generally have; which, On the one hand, this model can illustrates the harms, disadvantages and defects of the existing legal system in support of the people with visual impariments, and on the other hand, it can shows the desirable horizon of these rights. Dispersal of supportive rules, deficiency of executive dysfunction, lack of guarantee of proper performance in enforcing legal rules, lack of effective participation of the people with visual impariments from the codification to legislation of laws and lack of using NGOs for blinds in the field of making and enforcing the law are the most important bugs and disadvantages of the existing legal system for the people with visual impariments. Also, the appropriate model should be drawn at three levels: structural, normative and behavioral level so that lead to an effective, efficient and transparent legal system.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Habibnjad, Seyed Ahmad; Abedini, Zahra (2023). The desirable model of the legal system to support the people with visual impariments in Iran. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-28. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2022.334732.2954</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsq.2022.334732.2954</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press.</p>





الگوی مطلوب نظام حقوقی حمایتی افراد دارای معلولیت بینایی در ایران

سید احمد حبیب‌نژاد^۱ | زهرا عابدینی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران و مدیرعامل مؤسسه توسعه حقوق فقرزدایی، تهران، ایران.

رایانامه: a.habibnezhad@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه قم و دبیر کمیته حقوق نابینایان مؤسسه توسعه حقوق فقرزدایی، قم، ایران.

رایانامه: Zahraabedini6360@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۸-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/--</p> <p>کلیدواژه‌ها: اصل دسترس‌پذیری، تعهدات دولت، حقوق نابینایان، حقوق افراد دارای معلولیت، حقوق فقرزدایی، قانونگذاری شایسته.</p>	<p>افراد دارای معلولیت بینایی بخش چشمگیری از جامعه را تشکیل می‌دهند، وضعیت خاص آنها اقتضا دارد علاوه بر حقوق عام شهروندی از حقوق خاصی نیز برخوردار باشند. کرامت انسانی و تبعیض مثبت می‌تواند از مبانی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت بینایی باشد که ریشه‌های این مبانی را می‌توان در آموزه‌های دینی و مبانی قواعد حقوقی یافت. در این تحقیق به دنبال آن هستیم که در چارچوب گفتمان حقوق فقرزدایی، علاوه بر امتیازات و حقوقی که شهروندان به‌طور عام از آن برخوردارند، به الگوی شایسته از نظام حقوقی حمایتی افراد دارای معلولیت بینایی دست یابیم که این الگو از سویی می‌تواند آسیب‌ها، معایب و کاستی‌های نظام حقوقی موجود در حمایت از نابینایان را نشان دهد و از سویی افق مطلوب این حقوق را نمایان سازد. پراکندگی قواعد حمایتی، کاستی در مقام اجرا، عدم ضمانت اجرای شایسته در اجرایی کردن قواعد حقوقی، عدم مشارکت مؤثر نابینایان از مرحله تدوین تا تصویب قواعد، عدم بهره‌گیری از سازمان‌های مردم‌نهاد نابینایان در حوزه وضع و اجرای قواعد حقوقی از مهم‌ترین اشکالات و معایب نظام حقوقی موجود برای افراد با معلولیت بینایی است؛ همچنین الگوی شایسته حمایتی برای این گروه خاص باید در سه سطح ساختاری، هنجاری و رفتاری ترسیم شود تا به نظام حقوقی مؤثر، کارآمد و شفاف منتهی شود.</p>
استناد	حبیب‌نژاد، سید احمد؛ عابدینی، زهرا (۱۴۰۲). الگوی مطلوب نظام حقوقی حمایتی افراد دارای معلولیت بینایی در ایران. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (--)، ۲۸-۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2022.334732.2954
DOI	10.22059/jplsq.2022.334732.2954
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در تمامی جوامع، افراد با تفاوت‌های متعددی مانند نژاد، زبان، رنگ، دین، شرایط جسمانی و غیره در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و فعال در عرصه اجتماع هستند (Quin, 2002: 1). مهم‌ترین عاملی که دولت‌ها مکلف‌اند در قانونگذاری و سیاست‌گذاری‌های خود به آن توجه کنند، رعایت اصل کرامت و ارزش والای انسانی افراد^۱ با هرگونه تفاوتی است؛ این موضوعی است که در بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه رعایت این اصل در خصوص تمامی انسان‌ها در آموزه‌های دینی به کرات مورد تأکید بوده است، توجه به پاسداشت آن به‌ویژه در ارتباط با گروه‌هایی از افراد انسانی که به دلایلی چون در وضعیت جسمانی متفاوتی با دیگران قرار دارند، با تصریح بیشتری مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله در سوره مبارکه عبس به محترم شمردن حقوق نابینایان نیز تأکید شده است. بر اساس همین اصل افراد دارای معلولیت بینایی^۲ از حقوق بنیادین^۳ مانند سایر شهروندان برخوردارند^۴ (Buchanan, 2010: 50). تمامی جوامع باید از منابع خود به‌گونه‌ای بهره‌برداری کنند که تمام شهروندان اعم از نابینایان و دیگر شهروندان فرصت برابری برای مشارکت در سطح جامعه داشته باشند تا این افراد نیز بتوانند مسیر دستیابی به اهداف خود را به اختیار و بدون وجود هیچ مانعی برگزینند. بر همین مبنا در قانون اساسی برای اجرایی کردن پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، بند ۹ اصل ۳ قانون بیان می‌دارد: «دولت موظف است تمام امکانات خود را برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی به کار گیرد».

با عنایت به تعهد به نتیجه دانستن تعهدات مطرح‌شده در بند ۹، دولت باید با بهره‌گیری از تدابیر ویژه^۴، تلاش کند تا حمایت‌های مؤثری از بخش آسیب‌پذیر جامعه همچون افراد با معلولیت بینایی به عمل آورد (حبیب‌نژاد و سعید، ۱۳۹۶: ۷۱) شایان ذکر است که این اقدامات باید در تمامی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عملیاتی شود (Rehman, 2010: 614).

در طی سالیان اخیر با تلاش‌های مستمر معلولان به‌ویژه اشخاص نابینا و نیز تأسیس و ترویج گفتمان حقوق فقرزدایی اقدامات شایسته‌ای در راستای الزام‌آور کردن فعالیت‌های حمایتی از طریق قانونگذاری صورت پذیرفته است. ضرورت گذار از نگرش خیریه‌ای و حمایت‌محورانه به حق‌محورانه در فرایند زندگی اجتماعی و بسترهای مقررات‌گذاری به‌عنوان ضرورت مبنایی لازم می‌آید؛ اما متأسفانه در

-
1. Human Gignity
 2. People with visual impariments
 3. fondemental rights
 4. Special measures

ایران در قوانین و مقررات وضع شده اغلب نگرش حمایت‌محورانه حاکم بوده و نگرش حق‌مدارانه نادیده گرفته شده و به دلایل متعدد نتوانسته‌اند کارآمد واقع شوند. بر این اساس قانون باید به نحوی باشد که موجب نقض حقوق اساسی بخشی از جامعه نگردد و سبب ایجاد یا تشدید نگرش‌های منفی نسبت به این اقلیت اجتماعی مشخص در جامعه نشود؛ اما در برخی موارد، علی‌رغم توانمندی‌های متعدد این دسته از افراد، مواد مقرر در قوانین موجب انزوا، فقر، بی‌بهرگی از امکانات و در نهایت حذف از جامعه و به قشری مصرف‌کننده تبدیل شده است.

مقاله حاضر در چارچوب گفتمان حقوق فقرزدایی^۱ در پی آن است که ضمن بررسی کلیاتی در ارتباط با معلولان به صورت خاص وضعیت حقوقی نابینایان در جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قواعد حاکم بر معاهدات بین‌المللی و حقوق داخلی به روش تحلیلی توصیفی بررسی کند. هدف اصلی آن است که ضمن شناسایی وضعیت حقوقی موجود نابینایان، به آسیب‌شناسی قواعد جاری پرداخته شود و در نهایت امکان طراحی الگوی مطلوب نظام حقوقی حمایتی نابینایان در نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم آید. پژوهش‌های صورت گرفته در طول سالیان اخیر در حوزه معلولان اغلب وضعیت این بخش از جامعه را به‌طور کلی و عام بررسی کرده‌اند؛ درحالی‌که در ارتباط با نابینایان، به‌جز سه پایان‌نامه «حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین موضوعه ایران» نوشته شهره طبیبیان و «آثار حقوقی الحاق ایران به معاهده مراکش در حمایت از اشخاص نابینا» نوشته صادق یزدانی و پایان‌نامه «الگوی مطلوب نظام حقوقی حمایتی نابینایان در ایران» نوشته زهرا عابدینی پژوهش برجسته دیگری یافت نمی‌شود.

۲. نقش معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق معلولان در نظام حقوقی ایران

۲.۱. کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت و میزان توجه آن به نابینایان

در عرصه حقوق بین‌الملل دو معاهده بسیار مهم موجب تحولات گسترده در حوزه حقوق افراد دارای معلولیت بینایی در جامعه جهانی شد که برگرفته از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ بودند؛ کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت که مسائل و شرایط تمام

۱. ایجاد کمیته حقوق نابینان در مؤسسه توسعه حقوق فقرزدایی در همین چارچوب صورت گرفته است تا در بستری حقوقی و با ابزارها و قواعد و لسان حقوقی، مطالبات روشنگران پیگیری شود.

2. International Declaration of the Human Rights. Adopted by UN General Assembly Resolution (217) (III) of 10 December 1948.

3. International Covenant on Civil and Political Rights. Adopted by UN General Assembly Resolution in 16 December 1966.

معلولان را با توجه به اصل برابری و کرامت انسانی در نظر گرفته است و دیگری که به نحو خاصی تنها به حقوق نابینایان پرداخته معاهده مراکش است.

بر اساس جمعیت ۶۵۰ میلیون نفری^۱ معلولان در سطح جامعه جهانی، شاخص‌ترین اقدام در حقوق بین‌الملل برای افراد با نیازهای ویژه از جمله نابینایان را می‌توان تصویب کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت^۲ در ۱۳ مارس ۲۰۰۶ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل دانست. کنوانسیون درصدد ایجاد حقوق جدید برای معلولان نیست؛ بلکه با لحاظ تمام موارد معاهدات حقوق بشری به جزئیات می‌پردازد و با در نظر گرفتن زمینه معلولیت افراد، تعهدات پیش روی دولت‌ها را در قبال آنها بیان می‌کند (نباتی، ۱۳۸۹: ۹۳). از جمله مواردی که این کنوانسیون بدان توجه ویژه‌ای کرده، حقوق نابینایان است (Benedicte, 2007: 237).

با گذشت بیش از ۱۳ سال از تبدیل شدن کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت به قانون داخلی، در اجرای مفاد این معاهده موانع و کاستی‌های گسترده‌ای وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین موانع اجرای کنوانسیون در ایران، حق شرط^۳ وضع شده در الحاق به آن توسط ایران است. در بند ۱ ماده ۴۶ حق شرط را بر مقررات ماهوی کنوانسیون به عدم مغایرت با موضوع و هدف آن مشروط می‌کند. هدف این کنوانسیون به طوری که از ماده ۱ آن به روشنی برمی‌آید، ارتقای حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل نابینایان از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و افزایش احترام نسبت به منزلت ذاتی آنهاست. مطابق تبصره ۲ ماده واحد قانون الحاق به کنوانسیون حقوق معلولان، جمهوری اسلامی ایران خود را ملزم به رعایت آن دسته از مفاد کنوانسیون که مغایر با موازین حقوقی جاری خود باشد، نمی‌داند و چنین شرط بسیار مبهم و کلی دامنه اجرای کنوانسیون را مشخص نکرده و مانع تحقق حقوق یادشده برای افراد با معلولیت بینایی در ایران خواهد شد (مرادزاده، ۱۳۹۵: ۱۷۵)؛ به نحوی که طی سالیان اخیر اساسی‌ترین حقوق پیش‌بینی شده برای افراد با معلولیت بینایی در کنوانسیون همچون حق بر اشتغال حق بر تفریح و فراغت، حق بر مشارکت در حیات سیاسی و ایجاد محیط قابل دسترس برای این بخش از جامعه تحقق نیافته است و همواره نابینایان در ایران نسبت به هموعان خود در کشورهای الحاقی به کنوانسیون با چالش‌های بیشتری جهت مشارکت فعالانه در امور متعدد مواجه‌اند. اگرچه جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به این کنوانسیون در سال ۱۳۸۷ تلاش کرد تا زمینه

1. www.who.int
2. Convention on the Rights of Persons with Disabilities
3. Reservation Right

اجرای شدن مفاد آن را در چارچوب قوانین مربوطه فراهم سازد، لیکن بررسی‌ها نشان می‌دهد در نیل بدین منظور همچنان کاستی‌هایی موجود است؛ از جمله بررسی موارد زیر می‌تواند مثبت این ادعا باشد:

۲.۱.۱. اصل دسترسی پذیری^۱ امکانات برای نابینایان

ماده ۹ کنوانسیون، هنگام بیان اصل دسترسی برای توانمندسازی افراد دارای معلولیت، جهت دارا شدن زندگی مستقل و مشارکت کامل در تمام جنبه‌های زندگی دولت‌های عضو را مکلف می‌کند تا تدابیر مناسبی را به منظور دسترسی معلولان بر مبنای برابری فرصت‌ها^۲ با سایرین به محیط فیزیکی، ترابری، اطلاعات و ارتباطات اتخاذ کنند. عدم دسترسی فیزیکی به امکانات متعدد موجود در جوامع نسبت به سایرین، عامل اصلی محرومیت فرد معلول بوده و موجب به خطر افتادن بهره‌مندی از حقوق بنیادین^۳ آنها می‌شود (مقامی و شاکرمی، ۱۳۹۷: ۳۰۶). بند «ت» ماده ۹ مستقیماً به حقوق نابینایان می‌پردازد و بیان می‌دارد ساختمان‌ها و سایر تسهیلات ارائه شده برای امور، لازم است که دارای علائمی به خط بریل یا سایر اشکال که به سهولت قابل فهم و خواندن باشد، ایجاد شود. با توجه به پیوستن ایران به این کنوانسیون در ۱۳ آذرماه ۱۳۸۷ و علی‌رغم پیش‌بینی اقدامی مشابه در فصل مربوط به مناسب‌سازی قانون حمایت از معلولان و تشکیل ستاد هماهنگی و مناسب‌سازی به منظور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی اجرایی، نظارت بر امر مناسب‌سازی و ایجاد بانک جامع اطلاعات مناسب‌سازی در ۱۰ خردادماه ۱۳۹۴، با این هدف که شاید بتوان گام مؤثری در دسترسی معلولان از جمله معلولان بینایی به منابع و امکانات موردنظر برداشت. با این حال تاکنون اقدام مطلوبی در این خصوص صورت نپذیرفته و نابینایان برای حضور در اماکن عمومی به صورت مستقل با موانع بسیاری مواجه‌اند. مطلوب‌تر آن است علاوه بر ملزم کردن مؤسسات و نهادهای عمومی مطابق ماده ۲ باید قانون امری و الزام‌آور باشد که مؤسسات خصوصی نیز ملزم به رعایت چنین مواردی شوند و ضمانت اجرای مناسبی در راستای تحقق مناسب‌سازی و بسترسازی‌های مطلوب در سطح جامعه اتخاذ شود.

۲.۱.۲. حق بر آموزش و دسترسی افراد با آسیب بینایی به اطلاعات

در بند «ج» ماده ۲۱ کنوانسیون به الزام دولت‌های عضو جهت اتخاذ تدابیر مناسب به منظور تضمین اینکه

1. Availability
2. Equal Opportunity
3. Fundamental rights

افراد دارای معلولیت بتوانند حق آزادی بیان در عقیده، آزادی جست‌وجو، دریافت و سهیم شدن در اطلاعات بر مبنای برابر با سایرین از طریق اشکال ارتباطی با انتخاب خود افراد، پذیرش تسهیلات استفاده از خط بریل به‌صراحت تأکید شده است. در واقع حق دسترسی آزادانه همگان از ضرورت شناخت شرایط محیط زندگی برای رفع نیازهای اجتماعی و نگرهبانی از مصالح و منافع عمومی سرچشمه گرفته و تحقق این امر مستلزم آن است که دستیابی به آنها از طرق مختلف امکان‌پذیر باشد (هاشمی، ۱۳۹۸: ۳۲۵). اعلام آزادی در نحوه دسترسی به اطلاعات و سایر منابع موجود، موجب آزادی انتخاب و عدم الزام به استفاده از یک شیوه می‌شود. اگر چنین عملی تحقق یابد، یعنی موجب دسترسی آسان نابینایان به اطلاعات از طریق خط بریل یا صوتی در تمام زمینه‌ها از جمله کتاب‌ها توسط نشریات و سایت‌ها اجرایی شود، امکان گسترش آگاهی، آموزش در سطوح مختلف و پژوهش و بسیاری از موارد با سهولت بیشتری همراه خواهد بود.

در راستای تأمین حق دسترسی آزاد همگان به اطلاعات، یکی از مهم‌ترین حقوقی که باید برای تمام افراد از جمله افراد با معلولیت بینایی مورد توجه قرار داده شود، آموزش و ارتقای دانش آنهاست (Klaus, 2006: 17) که در ماده ۲۴ کنوانسیون اشاره شده است. بر همین اساس بیان می‌دارد، دولت‌ها آموزش را برای نابینایان به رسمیت می‌شناسند و برای تحقق این امر، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به‌صورت آموزش مادام‌العمر تضمین خواهند کرد؛ همچنین این اطمینان باید حاصل شود که آموزش افراد با معلولیت بینایی به مناسب‌ترین شیوه و روش‌های ارتباطی در مکان‌هایی که توسعه اجتماعی و آکادمیک به بالاترین میزان افزایش می‌یابد، ارائه شود. این امر از آن حیث است که افراد نابینا به دلیل آنکه فعالانه به اکتشاف نمی‌پردازند، در تحول مفهوم خود یعنی شناخت اشیاء، چگونگی کار آنها، تفاوت‌ها و شباهت‌ها و دسته‌بندی آنها به پختگی لازم نمی‌رسند؛ از این رو آموزش به آنها باید به مطلوب‌ترین شیوه ارائه شود. علاوه بر این به دیگر افرادی که در تعامل با آنها هستند، همانند خانواده‌ها و سایر مسئولان، باید آموزش‌های لازم در خصوص نحوه رفع نیاز این اشخاص و نوع تعامل با آنان ارائه شود؛ تا علاوه بر آگاهی بخشی نسبت به قواعد الزام‌آور با همکاری و هماهنگی اقدامات لازم به‌منظور عدم وجود مانع در تحصیل و آموزش برای این افراد صورت گیرد؛ زیرا آموزش افراد با معلولیت بینایی به دو دسته تقسیم می‌شود؛ آموزش به خود این افراد و آموزش به اطرافیان آنان. در ایران متأسفانه با وجود قوانین متعدد، در عرصه اجرا، فقر در آموزش مشاهده می‌شود؛ این در حالی است که در اغلب موارد مورد دوم از اهمیت بیشتری نسبت به مورد اول برخوردار است، زیرا گاهی بیش از آنکه کاستی در امکانات آزردهنده باشد، ناآگاهی اطرافیان، موجب توسعه‌نیافتگی فردی و

اجتماعی آنان می‌شود. همچنین نابینایان و کم‌بینایان به منظور آموزش بهتر و یادگیری موفق‌تر نیازمند این هستند که از شیوه‌ها و ابزارهای مختلف یادگیری مطابق فناوری‌های نوین استفاده کنند؛ علاوه بر این برای کسب موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی در رقابت با بینایان، باید از امکانات دسترسی به منابع کتابخانه‌های مخصوص خود که یکی از حیاتی‌ترین لوازم پیشرفت آنها محسوب می‌شود، برخوردار باشند که پیش‌بینی این امر در قوانین داخلی الزام‌آور است (اطلسی، ۱۳۸۵: ۳۷).

با هدف رفع نواقص ذکر شده مناسب است که مسئولان مراکز ارائه‌دهنده خدمات عمومی و خانواده‌های معلولان، در دوره‌های مناسبی از سوی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت ارشاد، سازمان بهزیستی و سایر ارگان‌ها و با بهره‌گیری از کارشناسان روانشناسی و نابینایانی که در حوزه مربوطه دارای دانش و آگاهی مناسب بوده و فعال در حوزه اجتماعی باشند، آموزش دریافت کنند. علاوه بر آموزش دهی به اطرافیان افراد معلولان، لازم است در اجرای سایر مقررات در دستگاه‌های اجرایی مرتبط با نابینایان نیز نظارت‌های مربوطه صورت گیرد. برای نمونه یکی از موارد مشهود در این زمینه، منشی‌های منتخب برای آنان از سوی سازمان سنجش و آموزش کشور، دانشگاه‌ها و سایر موارد است. آشنایی ناکافی منشی‌های منتخب با نحوه قرائت پرسش‌ها، عدم تخصص در حوزه مربوطه به امتحان برگزار شده می‌تواند منتهی به تضییع حقوق این افراد شود که این نوع مسائل خود موجب ایجاد تبعیض و بعضاً عدم درک صحیح افراد نابینا به خصوص در آزمون‌هایی که فاقد دفترچه بریل هستند؛ مانند آزمون کانون وکلا و مرکز مشاوران دادگستری خواهد شد. برای رفع این نقیصه به تصویب رساندن آیین‌نامه‌ای به صورت مشترک از جانب وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش به منظور تعیین سازوکار مشخص در ارتباط با نحوه برگزاری آزمون‌ها برای نابینایان با بهره‌گیری از مشورت‌های خود آنان و کارشناسان مربوط و ابلاغ به سازمان سنجش، دانشگاه‌ها و مدارس به منظور همکاری با ایشان و نیز برگزاری دوره‌های مناسب جهت آشنایی با نحوه همکاری برای منشی‌های منتخب در هر حوزه‌ای که امتحان برگزار می‌شود، پیشنهاد می‌گردد. با وجود برگزاری دوره‌هایی برای منشی‌ها در برخی از مراکز استان‌ها به دلیل نبود استانداردهای لازم، دوره‌های برگزار شده موفقیت‌آمیز نبوده است؛ به همین سبب شایسته‌تر آن است که اداره این دوره‌ها توسط خود نابینایان باشد، زیرا بر اساس تجارب آنها راهنمایی‌های مطلوب‌تری ارائه خواهند کرد.

۱.۲.۱.۲. معاهده مراکش

یکی از مهم‌ترین معاهدات در مورد نابینایان، معاهده مراکش^۱ در مورد تسهیل دسترسی افراد نابینا به آثار

1. Morocco Treaty. Aopted by Word Intellectual Property Organization in 27 June 2013.

و منابع چاپی است که در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ در سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ به تصویب رسیده است. مطابق گزارش‌های ارائه‌شده توسط این سازمان، افراد نابینا تنها به ۵ درصد از منابع چاپی دسترسی دارند. این معاهده موجبات آن را فراهم می‌آورد تا امر آموزش و پرورش و پژوهش برای نابینایان نیز با سهولت بیشتری صورت پذیرد. معاهده مذکور با در نظر داشتن چالش‌هایی، منافی توسعه افراد با معلولیت بینایی در منابع چاپی بوده، آزادی بیان آنها را محدود می‌کند و مشمول آزادی تفحص، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از هر قبیل بر اساس اصول برابری با دیگران از طریق انواع ارتباطات به خواست و انتخاب خود آنها می‌شود. با تأکید بر اهمیت حمایت از حق چاپ به‌عنوان انگیزه و پاداش برای ایجاد آثار ادبی و هنری، همچنین بهبود فرصت‌ها برای همه از جمله افرادی با معلولیت بینایی در منابع چاپی فراهم می‌کند. تا پیش از تصویب معاهده مراکش، هیچ مقرره‌ای در هیچ‌یک از کنوانسیون‌ها به‌طور مشخص در خصوص کپی‌رایت نبوده و به‌نحو کلی در مالکیت فکری به نیازهای نابینایان اشاره نشده است. معاهده مذکور اذعان می‌دارد که کشورهای عضو، باید محدودیت‌ها و استثنائاتی را در قوانین ملی برای حق چاپ خود در آثار ادبی و هنری که باید دارای سه ویژگی اصیل بودن، ثابت بودن و خلاقانه بودن باشد، برای بهره‌مندی افراد با نارسایی بینایی داشته باشند (Black, 2011). می‌توان اساس تشکیل این معاهده را از آن جهت نیز دانست که تا پیش از تصویب این معاهده تنها یک‌سوم از کشورها استثنائاتی را مقرر کرده بودند که از جمله کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شدند و همچنین امکانات به حد مطلوب در آن جوامع وجود داشته، به‌منظور الزام دوسوم کشورهای باقیمانده اقدام به تصویب حداقل‌های استثنائات توسط سازمان مالکیت فکری صورت پذیرفت (شاکری، ۱۳۹۸: ۲۶۶).

در همین زمینه معاهده بیان می‌دارد نسخه دسترس‌پذیر نسخه‌ای است که به‌صورت یک اثر به شکل بدیع یا جایگزین باشد؛ به‌گونه‌ای که برای شخص بهره‌مند قابل استفاده باشد تا وی بتواند به‌راحتی مانند شخصی که فاقد معلولیت بینایی یا سایر کم‌توانی‌هاست، توانایی استفاده از منابع چاپی را دارا باشد و نهاد دارای صلاحیت در این حوزه یک نهاد غیرانتفاعی است که از سوی حکومت مجاز بوده و به رسمیت شناخته شده تا در زمینه‌های آموزشی یا دسترسی به علوم برای افراد استفاده‌کننده امکانات را فراهم سازد. چنین مقرره‌ای موجبات آن را فراهم می‌آورد تا منابع به شکل منظم و قابل دسترس برای تمامی افراد از جمله نابینایان امکان‌پذیر شوند. عمل به چنین مفادی مستلزم آن است که دولت نیز حمایت‌های مالی مناسبی را ارائه دهد تا اقدام به انتشار آثار به‌نحو قابل دسترس، مطلوب‌تر انجام گیرد. با تصویب و

1. World Intellectual Property Organization .established in 14 July 1967.

2. www.wipo.int

اجرای این معاهده امکان انعقاد توافقنامه‌های همکاری با کشورهایی که دارای تجاربی در زمینه حمایت از نابینایان هستند، وجود دارد و بهتر می‌توان به صورت کارآمد و مؤثر منابع مورد نیاز نابینایان را در اختیار آنها قرار داد (یزدانی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

با توجه به آنکه ایران در سال ۲۰۱۴ معاهده یادشده را به امضا رسانده است، ولی هیچ اقدام مؤثری در راستای به تصویب رساندن آن و قرار دادن چنین معاهده حائز اهمیتی در زمره قوانین داخلی به انجام نرسیده است، از این رو لازم است تا وضعیت ایجاد امکان دسترسی به منابع چاپی برای نابینایان در ایران بررسی شود. در قوانین داخلی از جمله قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ توجه ویژه‌ای به حقوق نابینایان نشده است. ماده ۱۱ این قانون ناظر به موردی است که نسخه‌برداری از آثار مورد حمایت این قانون و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده مشخص و غیرانتفاعی باشد مجاز است. صدر ماده ۵ قانون ترجمه و تکثیر کتاهاب نیز اشعار می‌دارد که تکثیر، نسخه‌برداری از کتاب‌ها، نشریات و آثار صوتی به منظور استفاده در امور آموزش و تحقیقات علمی مجاز خواهد بود؛ اما به دو شرط که عبارت‌اند از انتفاعی نبودن و اجازه نسخه‌برداری از آثار که پیش از این اقدام به تصویب وزارت ارشاد رسیده باشد. در ماده ۸ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان، کتابخانه‌های عمومی، مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند، می‌توانند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، از آثار مورد حمایت این قانون از طریق عکس‌برداری و یا مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود، نسخه‌برداری کنند. باید دقت داشت که اجرای قواعد بیان‌شده به‌طور کلی در همه موارد کارآمد نیست؛ زیرا افراد نابینا به‌منظور دسترسی، نیازمند خدمات خاصی علاوه بر خدمات ارائه‌شده برای همگان هستند. در همین زمینه باید قوانین الزام‌آور مشخصی در ارتباط با دسترسی به منابع برای نابینایان وضع شود. یکی از نکات شایان توجه در این معاهده آن است که استفاده از آثار به نحو غیرانتفاعی مطابق بند «الف» ماده ۴ دیگر نیازی به اخذ مجوز از ناشر اثر وجود ندارد؛ چنین مقرره‌ای بسیار می‌تواند امر دسترس‌پذیری را با سهولت مواجه سازد؛ به‌علاوه در لایحه حمایت از مالکیت هنری و ادبی تدوین‌شده در سال ۱۳۹۵ نیز بسیار محدود به حق دسترسی نابینایان به منابع و اطلاعات در بخشی تحت عنوان حق تکثیر برای افراد ناتوان اشاره شده است. عوامل یادشده علاوه بر آنکه زمینه‌ساز ایجاد تبعیض‌های بسیاری می‌شود، بر خلاف مفاد ماده ۳۰ کنوانسیون در راستای پاسداشت و ترویج خط بریل به‌منظور تحقق حقوق فرهنگی این بخش از جامعه است.

نکته قابل تأمل آن است که در طول سالیان اخیر کتابخانه‌های ارائه‌دهنده خدمات به نابینایان

گسترش زیادی در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها یافته است و موجب برطرف شدن اندکی از کاستی‌های موجود در دسترسی به منابع برای نابینایان شده؛ لیکن باید توجه داشت در ارائه این دسته از خدمات، لازم به صرف هزینه‌های بیشتری نسبت به منابعی که صوتی و بریل نیستند، وجود دارد؛ از این رو باید بر اساس قواعد لازم‌الاجرا و با تعیین ضمانت اجرای مناسب، دولت و نهادهای ذی‌ربط اقدام به فعالیت‌های مطلوب‌تری به منظور توسعه امکانات برای نابینایان کنند. یکی از راهکارهای مؤثر آن است که مقنن به منظور تحقق بخشیدن به مفاد معاهده مراکش در ایران و توانمندسازی افراد با معلولیت بینایی لایحه مالکیت ادبی و هنری را همراستا با مفاد معاهده یادشده تنظیم کرده و حقوقی را برای این بخش از جامعه و تکالیفی را برای متولیان امور آنها پیش‌بینی کنند؛ از جمله شاخص‌ترین راهکارها می‌توان به برخی از موارد اشاره کرد. مقنن با وضع قوانینی شایسته، دولت را ملزم کند که با ارائه تسهیلات مورد نیاز به ناشران، این امکان را فراهم سازد تا حداقل یک درصد از آثار منتشره در کشور را به خط بریل با همکاری کتابخانه‌های مخصوص نابینایان ارائه دهند تا نابینایان نیز بتوانند با بهره‌گیری از کتاب‌ها به صورت بریل به منابع مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند. در این صورت امکان بهره‌مندی از آثار بیشتر و متنوع‌تر برای آنها ایجاد می‌شود، چراکه کسب اطلاعات در دنیای کنونی اصلی مهم برای پیشرفت و همگامی با جهان اطلاعاتی امروز است. فردی که قادر به یافتن اطلاعات مورد نیاز خود نباشد، توان همگامی با پیشرفت بشری را ندارد. در همین زمینه نباید هیچ‌گونه تبعیضی در میان مناطق برای ارائه خدمات وجود داشته باشد. با وجود اهمیت بسیار زیاد خط بریل در فرایند یادگیری برای نابینایان، منابع صوتی می‌تواند کاستی‌های موجود را برطرف سازد. دیگر راهکار آن است که هریک از کتاب‌های منتشره، نشریات و یا سایر منابع، منطبق با دستورالعمل‌های قانونی و تخصصی، در یک نسخه صوتی انتشار یابند و در سایتی مشخص و یا در اختیار کتابخانه‌ها قرار داده شود تا افرادی که دارای معلولیت بینایی هستند، بتوانند از منابع چاپی بهره‌مند شوند. با عملیاتی کردن راهکارهای یادشده موجبات نمود توانمندی‌های نابینایان در اموری همچون آموزش و پژوهش فراهم می‌آید.

۳. نیازسنجی قانونگذاری در ارتباط با افراد دارای معلولیت بینایی در ایران

مطابق آمارهای ارائه‌شده از سوی سازمان بهداشت جهانی، امروزه ۲۸۰ میلیون فرد با آسیب بینایی در جهان وجود دارد که از این میان ایران با دارا بودن ۲۰۸ هزار فرد نابینا و ۵۵۰ هزار فرد کم‌بینا رتبه شانزدهم را دارد.^۱ نکته شایان توجه آن است که آمارهای ارائه‌شده به صورت رسمی، ممکن است برخی از

افراد را که به دلیل فقر و محدودیت در مناطقی سکونت داشته باشند که از دسترسی به بسیاری از امکانات محروم باشد، از قلم انداخته باشد؛ به همین سبب هم در عرصه بین‌المللی و هم حقوق داخلی به منظور ایجاد عدالت اجتماعی و توسعه فرصت‌های برابر نسبت به افراد جامعه باید قوانین و مقررات الزام‌آور وضع شود تا افراد در مناطق مختلف نیز بتوانند به امکانات موجود جهت دستیابی به رفاه و آسایش عمومی، مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف جهت دارا بودن زندگی مستقل و استقلال در مسیر حرکت به منظور دستیابی به اهداف خود، دسترسی داشته باشند.

تبلور حقوق اساسی مردم در قانون اساسی پیش‌درآمدی برای حضور آزادانه و آگاهانه و مؤثر آنان در اداره کشور محسوب می‌شود. در متن قانون اساسی وضعیت معلولان (نابینایان) به عنوان طیف خاصی از شهروندان مورد شناسایی ویژه قرار نگرفته است، اما می‌توان از خلال اصول کلی مندرج در آن رهیافت‌های حمایتی قانونگذار را شامل حال این قشر نیز کرد. به نظر این بحث خلأ مهمی در قانون اساسی به‌شمار می‌رود. در مقدمه قانون اساسی به آزادی و کرامت انبای بشری به‌عنوان یکی از اهداف قانون اساسی اشاره شده است و توجه اصل ۳ به تأمین آزادی‌های سیاسی در حدود قانون و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش نیز قابل تأمل است. اطلاق اصول ۱۹ و ۲۰ که به یکسان بودن حقوق مردم و به‌صورت برابر در حمایت قانون قرار گرفتن آنان اشاره می‌کند، دایره مدار این است که نابینایان هم مانند مردم عادی دیگر باید از حقوق برابر و مساوی برخوردار باشند. یکی دیگر از اصول قانون اساسی که می‌توان آن را تحقق‌بخش حقوق نابینایان دانست، اصل ۲۹ ق.ا است که هنگام بیان ایجاد تأمین اجتماعی برای تمام افراد جامعه بیمه حوادث را نیز مطرح می‌کند که بر اساس آن اگر فردی بر اثر حادثه‌ای دچار آسیب بینایی شود، تحت حمایت بیمه قرار می‌گیرد. همچنین بسیاری دیگر از اصول عام و کلی که آنچه از قانون بیان کردیم ضمانت عینیت بخشیدن به کرامت بشر است؛ بنابراین بر عهده قانونگذار است با پایبندی بر این اصول لوازم و آثار آن زمینه را برای تحقق عدالت، آزادی، برابری و پیشرفت فرد و جامعه را فراهم آورد. با رعایت آنها و آگاهی نسبت به مفاد آن قواعد توسط مقنن می‌تواند موجب تصویب قوانین کارآمد، نتیجه‌بخش و اثرگذار شود. قانونگذاری شایسته علاوه بر آنکه باید در تمام زمینه‌ها انجام گیرد، نیازمند دقت بیشتری نسبت به اقشار آسیب‌پذیر جامعه جهت محرومیت‌زدایی از این بخش است.

۱. اصل ۲۹ ق.ا: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد تأمین کند.

در حقوق داخلی مهم‌ترین اتفاق در حوزه حقوق معلولان، به تصویب رسیدن قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۶ بوده، اما در مورد نابینایان به‌طور ویژه قانونی وضع نشده است.

۴. قانون حمایت از معلولان و میزان توجه آن به نابینایان

این قانون در مواد خود مسائلی را به‌نحو کلی بیان کرده است، مانند مناسب‌سازی فضای شهری، دسترس‌پذیری به امکانات، بسترسازی مناسب برای حضور افراد، سلامت، بهداشت و بسیاری از موارد دیگر. در این قانون تنها در دو ماده به‌طور مستقیم به امور مربوط به نابینایان پرداخته شده است که با توجه به گستردگی موانع پیش روی این افراد به هیچ‌عنوان کافی به‌نظر نمی‌رسد. موضوع اشتغال نابینایان و همچنین حقوق فرهنگی ایشان دو موضوع ویژه با تأکید بر نابینایان است که اگرچه ذکر آن به‌طور خاص ارزشمند است، بررسی جامع آن نشانگر چالش‌هایی در این خصوص است که به‌تفصیل بدان پرداخته می‌شود.

۴.۱. موانع پیش روی اشتغال نابینایان

یکی از موانع پیش روی نابینایان که همواره با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده، اشتغال ایشان است (فزاء، ۱۳۸۹: ۳۳). منطبق با ماده ۲۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، بند «ت» ماده ۱۱ قانون حمایت از معلولان، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی را مکلف می‌سازد تا ۳۰ درصد از مشاغل اپراتوری خود را به معلولان با آسیب بینایی و جسمی حرکتی اختصاص دهد؛ درحالی‌که این میزان در قانون سال ۱۳۸۳، ۶۰ درصد بوده که در ماده ۷ آن قانون بدان اشاره شده است. در خصوص این موضوع، دیدگاه‌های متعددی در میان افراد نابینا وجود دارد؛ بنابر یک نظر این اقدام به معنای محدود ساختن توانمندی‌های نابینایان به این نوع مشاغل است؛ اما با توجه به گسترش نرم‌افزارها و ابزارهایی که سبب سهولت و عدم محدودیت نابینایان و انجام امور متعدد می‌شود، اگر معیار استخدام افراد را توانمندی و استعدادهای آنان قرار دهیم، شایسته‌تر خواهد بود. دیگر می‌توان گفت با رشد فزاینده فناوری، شغل اپراتوری از چارت‌های سازمانی در بسیاری از ارگان‌ها حذف شده است و دیگر نمی‌توان جایگاهی برای این شغل قائل بود. نظر دیگر بیان می‌دارد که قانونگذار بر آن بوده یکی از مشاغلی را که انجام آن برای نابینایان از سهولت بیشتری برخوردار است، به آنان اختصاص دهد و این عمل را نوعی تبعیض مثبت می‌توان تلقی کرد. در راستای همین دلایل پرسش‌هایی نیز مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه علت آنکه

مقنن این میزان را از ۶۰ درصد به ۳۰ درصد تقلیل داده، چه بوده است و همچنین آیا شایسته‌تر نبود که مؤسسات و نهادهای غیردولتی نیز در قانون مکلف به این عمل می‌شدند تا امکان بیشتری برای یافتن شغل مناسب ایجاد شود.

ماده ۱۵ قانون حمایت از معلولان نیز به اختصاص ۳ درصد از استخدام‌های دولتی به معلولان می‌پردازد.^۱ آنچه در این میان دارای اهمیت بسیاری است تضمین فرصت برابر برای همگان به‌منظور دستیابی به مشاغل شایسته است. بند ۲ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این خصوص بیان می‌دارد که هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود دست یابد. در قانون اساسی نیز اصل ۲۸ و بند ۲ اصل ۴۳ به‌صراحت به این موضوع پرداخته است. حال باید بررسی کرد که سهم نایبانیان از این استخدام‌ها به چه میزان است.

در سالیان اخیر آگهی‌های استخدامی از سوی دولت، وزارتخانه‌های متعدد به‌خصوص وزارت آموزش و پرورش به شرط سلامت جسمانی تأکید کرده‌اند؛ از جمله آگهی استخدام وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۶ با استناد به بند «ز» ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری چنین مطلبی را بیان کرده‌اند؛ درحالی‌که مطابق آیین‌نامه اجرایی آن مقصود قانونگذار از سلامت جسمی و روحی به‌میزانی بوده که مانع انجام امر موردنظر در آگهی استخدامی نباشد؛ این در صورتی است که در آزمون‌های استخدامی دستگاه‌های اجرایی، دفترچه بریل در اختیار آنان قرار داده شده بود. به‌نظر نمی‌رسد معلولیت بینایی برای تصدی مشاغل آموزشی به‌ویژه برای هموعان خود مانعی محسوب شود؛ زیرا لازمه تدریس به نایبانیان، مهارت در خط بریل است. با استناد به رأی وحدت رویه به شماره ۹۱۰۰۵۶۳ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۶ و رأی شماره ۹۰۰۰۸۵۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰ صادره توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری علی‌رغم آنکه اقدامات مؤثری در راستای ملزم کردن دولت به رعایت سهمیه ۳ درصدی به انجام رسیده است، اما در بسیاری از آگهی‌های استخدامی دولتی هم‌اکنون نیز شاهد قرار دادن شرط سلامت جسمانی هستیم که به گسترش تبعیضات ناروا منجر می‌شود. از سوی دیگر در برخی موارد دیده می‌شود پس از پذیرفته شدن این افراد در نتایج اولیه آزمون در مصاحبه‌های صورت گرفته با استناد به عدم سلامت بینایی پذیرش آنها منتفی می‌شود که چنین اقدامی فاقد وجهت قانونی و اخلاقی است. لازم است اشاره شود که معلمان

۱. ماده ۱۵ قانون حمایت از معلولان: دولت مکلف است، حداقل ۳ درصد از مجوزهای (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، به‌جز موارد ذکرشده در بندهای «ت» و «ث» ماده ۱۱ به افراد دارای معلولیت واجد شرایط اختصاص دهد.

مخصوص برای نابینایان ناکافی هستند و نیازمند افزایش تعداد معلمان برای دانش آموزان نابینا در مقاطع مختلف تحصیلی وجود دارد؛ به‌خصوص در مناطقی که برای دوره متوسطه مدارس مخصوص نابینایان تأسیس نشده و نیازمند آموزش‌هایی فراتر از دیگر دانش‌آموزان هستند.

اقدام مناسب جهت تحقق حق اشتغال نابینایان، اعمال ضمانت‌های اجرای مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۵ بوده که عبارت است از: متخلفان حسب مورد با حکم مراجع ذیصلاح به مجازات تعزیری جزای نقدی درجه پنج تا هشت موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱، انفصال موقت یا دائم از خدمات عمومی، تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی و یا اخراج از نهاد یا سازمان متبوع محکوم می‌شوند. رؤسای سازمان‌های بهداشتی استان‌ها نیز بهتر است که از صلاحیت‌های اختیاری خود جهت شرکت در جلسات شورای برنامه‌ریزی استان و گروه‌های کاری آن مطابق ماده ۱۶ جهت حمایت از حقوق نابینایان و سایر معلولان استفاده کنند.

۲.۴. حقوق فرهنگی افراد با معلولیت بینایی

در ماده ۲۱ قانون حمایت از معلولان، ذیل فصل هفتم تحت عنوان فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی به توضیح‌دار کردن فیلم‌ها و برنامه‌های سیما برای افراد با آسیب بینایی اشاره شده است؛ همچنین در ماده ۲۰ مواردی را به‌منظور فرهنگ‌سازی بیان کرده است؛ اعم از الزام سازمان‌های دولتی و شهرداری‌ها که دارای سالن‌های پخش فیلم هستند، به اختصاص پخش تیزرهای مربوط به معلولان جهت افزایش آگاهی‌های عمومی. بیان چنین مطلبی از جانب مقنن بسیار ارزشمند است، زیرا با اجرایی کردن چنین مفادی می‌توان در ضمن آگاه ساختن افراد جامعه به توانمندی‌های نابینایان و سایر معلولان، شرایط به‌گونه‌ای فراهم می‌شود که نابینایان نیز بتوانند در کنار سایر اعضای جامعه بدون هیچ‌گونه تفاوتی از آثار فرهنگی بهره‌مند شوند. شایسته‌تر آن بود که به‌جای صرف بیان پخش تیزرها، دستگاه‌های ذی‌ربط ملزم می‌شدند که امکانات را به‌نحوی بر فراهم کنند تا افرادی که دارای معلولیت بینایی هستند نیز بتوانند بدون همراهی دیگران و در کمال استقلال از آثار پخش‌شده بهره‌مند شوند؛ همانند بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از جمله آلمان که بخشی از سالن‌های خود را به‌گونه‌ای مجهز کرده‌اند که همزمان با پخش هر برنامه‌ای قسمت‌های بی‌کلام آن از طریق دستگاه‌های مخصوص همانند هندزفری برای نابینایان نیز توضیح‌دار می‌شود. در ایران نیز سالیان اخیر اقداماتی در راستای توضیح‌دار نمودن فیلم‌ها و آثار تصویری توسط برخی اشخاص سرشناس به‌عمل آمده است. با توجه به فعالیت در بخش خصوصی و در اختیار نداشتن منابع مالی کافی اقدامات تا حدود مطلوبی صورت گرفته است که بسیار شایسته تقدیر

است؛ اما چنین فعالیت‌هایی کافی نیست و نیازمند حمایت‌هایی از جانب دولت هستند. شایان ذکر است که می‌توان این اقدام را نمونه‌ای از تبعیض مثبت دانست.

۵. چالش‌های حمایت از افراد با معلولیت بینایی با تأکید بر قانون حمایت از معلولان

قانون حمایت از معلولان همانند برخی از قوانین دیگر دارای معایب و کاستی‌های بسیاری است. پس از ناکامی دولت در اجرای کامل قانون مصوب ۱۳۸۳ انجمن‌های فعال در حوزه معلولان که در رأس آنان انجمن نابینایان ایران قرار داشت، متن ۶۳ ماده‌ای را تنظیم و برای بررسی‌های بیشتر به دولت ارائه کردند که طی بررسی‌های صورت‌پذیرفته از جانب کارشناسان دولتی متن مذکور به ۳۴ ماده تقلیل یافته و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد که با این اقدام بسیاری از حقوق نابینایان که در دیگر مواد متن ۶۳ ماده‌ای مدنظر قرار گرفته بود، همچون حق دسترسی به منابع چاپی نادیده گرفته شده و صرفاً تحت عنوان بخشنامه‌ای به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ابلاغ شد که تاکنون جامعه نابینایان شاهد هیچ‌گونه ثمرات مثبتی از این امر نبوده‌اند. البته همین مصوبه هم به دلیل اشتباه حقوقی به موجب ماده ۱۶ آیین نامه ماده ۳ قانون حمایت از حقوق معلولان نسخ شده است. شایسته‌تر آن بود که هنگام اصلاح این قانون، قواعد آن را هرچه هماهنگ‌تر با کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت^۱ قرار می‌دادند. این قانون تنها به بیان کلیاتی در مورد معلولان اکتفا کرده است؛ در صورتی که معلولان مانند نابینایان با شرایط متفاوت به‌منظور کاهش مسائل و مشکلات پیش روی خود نیازمند ارائه خدمات مناسب با وضعیت خود هستند. علت عمده این مسئله را می‌توان بی‌توجهی به مسائل بیان‌شده توسط تشکل‌های مردم‌نهاد در مرحله تدوین و ناآگاهی نمایندگان در هنگام تصویب مواد نسبت به شرایط متفاوت دانست؛ اما اصلی‌ترین عامل توجه ناکافی به وضعیت افراد دارای معلولیت بینایی را در هر دو قانون می‌توان عدم حضور نمایندگان از این قشر در مجلس شورای اسلامی دانست که با دانش و توان خود می‌توانستند در زمینه قانونگذاری به‌نحو شایسته‌تری عمل کنند؛ چراکه یکی از اساسی‌ترین حقوق شناسایی‌شده در بیان اصول حاکم بر کنوانسیون در ماده ۳ مشارکت کامل و مؤثر معلولان در امور متعدد و ماده ۲۹ کنوانسیون حق بر مشارکت در حیات سیاسی و حق تعیین سرنوشت است. اما در ایران علاوه بر آنکه قانون حمایت از حقوق معلولان هیچ‌گونه تدابیر مناسبی در این خصوص پیش‌بینی ننموده است، ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز با قرار دادن شرط سلامت بینایی از جمله شرایط انتخاب‌شوندگی به‌عنوان

1. Convention on the Rights of Person with Disabilities. Adopted by UN General Assembly Resoultion in 30 March 2007.

نماینده مجلس شورای اسلامی، افراد دارای معلولیت بینایی را از برخورداری از حق مشارکت سیاسی و تعیین سرنوشت نسبت به هم‌نوعان خود و دیگر افراد جامعه محروم کرده‌اند. اگر چنین شرطی مقرر نشده بود و نابینایان توان مشارکت در امر قانونگذاری در حوزه معلولان را داشتند، چنین نارسایی‌هایی کمتر مشاهده می‌شد. با وجود تصویب قانون طی سیزده سال، کماکان مشکلات معلولان (نابینایان) حل نشده باقی نمی‌ماند و یا حداقل در اجرایی کردن آن نظارت کامل‌تری صورت می‌پذیرفت. انتظار بر آن بود که تشکیل فراکسیون معلولان در مجلس و اقدامات صورت‌گرفته توسط این فراکسیون گام مؤثری در تحقق بخشیدن به حقوق نابینایان در سطح جامعه محسوب شود؛ چراکه نابینایان و دیگر معلولان اغلب مطالبات خود را از فراکسیون یادشده به‌منظور طرح در مجلس شورای اسلامی مطالبه می‌کنند.

۶. اصلاحات لازم در نظام حمایت از حقوق افراد با معلولیت بینایی در ایران

با توجه به بیان چالش‌ها و آسیب‌های موجود در پیش روی افراد با معلولیت بینایی، لازم است که الگوی مطلوب نظام حقوقی حمایتی نابینایان در ایران را با پیشنهاد سه دسته اصلاحات هنجاری، ساختاری و رفتاری مورد نیاز بیان کنیم. باید توجه داشت که دستیابی به این الگوی مطلوب صرفاً به‌واسطه اقدامات دولتی تحقق نخواهد یافت؛ بلکه هریک از افراد جامعه با ارتقای آگاهی خود و افراد نابینا با آشنایی نسبت به حقوق خود می‌توانند در تحقق این امر مؤثر باشند.

۶.۱. اصلاحات هنجاری

نخستین مرحله از انجام اصلاحات مورد نیاز تحقق اصلاحات هنجاری در راستای قاعده‌گذاری صحیح و اجرایی کردن معاهدات بین‌المللی در سطح ملی است.

۶.۱.۱. اجرایی کردن معاهدات بین‌المللی

با عنایت بر آنکه بسیاری از معاهدات بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و معاهده مراکش با در نظر داشتن تمامی جوانب، مقرراتی را جهت دستیابی به عدالت اجتماعی برای تمامی معلولان در جامعه جهانی وضع کرده‌اند، مطلوب‌تر آن است که ایران نیز با اصلاح ماده‌واحد قانون الحاق به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و برطرف ساختن ابهامات موجود و همچنین با به تصویب رساندن معاهده مراکش که ایجادکننده تسهیل دسترسی نابینایان به منابع چاپی و به‌تبع آن گسترش فرایند آموزش و پژوهش این افراد است گام مثبتی را در جهت ایجاد برابری فرصت‌ها در زندگی فردی و

اجتماعی فراهم آورد و همگام با دیگر جوامع توسعه یافته باعث حضور فعالانه نایبانیان در عرصه اجتماع شوند (عابدینی، ۱۳۹۹: ۹۵).

۲.۱.۶. نقش آفرینی نایبانیان در فرایند قاعده‌گذاری حقوقی

مشارکت هریک از افراد جامعه در فرایند قانونگذاری و تعیین سیاست‌های آن کشور، از جمله موارد حق تعیین سرنوشت محسوب شده که دارای ساحت ملی و ساحت فراملی است (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۸). اصلاح ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ایجاد امکان مشارکت نایبانیان در فرایند قاعده‌گذاری حقوقی از جمله بهره‌مندی از حق تعیین سرنوشت که یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی است محسوب می‌شود؛ در این زمینه با حضور نایبانیان به‌عنوان نمایندگان ملت و با بهره‌گیری از مشورت آنان می‌توانیم به قوانین شایسته‌تر در حمایت از حقوق آنان و دیگر معلولان ناآل آیم. علاوه بر تصویب قوانین، در به تصویب رساندن مقررات نیز باید حقوق نایبانیان مدنظر قرار گرفته شود تا نگرش حمایت محورانه حاکم بر قوانین مجری به نگرش حق‌محورانه تغییر کند. در مقررات‌گذاری شهری نیز باید به این جنبه از حقوق نایبانیان جهت مناسب‌سازی فضای شهری و دسترس‌پذیری امکانات برای آنان توجه شود.

۳.۱.۶. تخصیص بودجه کافی

مطابق قواعد بیان شده در قانون حمایت از معلولان سالانه بودجه مشخصی به‌منظور اجرایی نمودن تصمیمات در سطح ملی و منطقه‌ای باید اختصاص داده شود. بهتر است توجه داشت که بودجه اختصاص داده شده نباید صرفاً به سازمان بهزیستی به‌عنوان متولی امور معلولان از جمله نایبانیان تعلق گیرد، زیرا برای دستیابی به محیط استاندارد، ایجاد دسترس‌پذیری، مناسب‌سازی و بسترسازی مناسب باید بودجه اختصاص داده شده در قانون بودجه به سایر دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارتخانه‌های علوم، راه، فرهنگ و ارشاد، آموزش و پرورش و سایر موارد اختصاص داده شود و ارگان‌های مربوطه بتوانند با توجه به حیطة وظیفه خود اقدامات لازم را به‌عمل آورند. متأسفانه طی سالیان اخیر که قانون حمایت از معلولان به تصویب رسیده، هیچ‌گاه بودجه لازم پیش‌بینی شده به این اقلیت اختصاص داده نشده است. برای نمونه در سال ۱۴۰۰ بودجه مورد نیاز برای اجرایی کردن قانون حمایت از معلولان، ابتدا از سوی کارشناسان سی هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود که با بررسی‌های صورت‌گرفته در سازمان برنامه و بودجه به یک هزار و سیصد میلیارد تومان کاهش یافت، که با این روند نمی‌توان حداقل موارد بیان شده در قانون حمایت از معلولان را از نظر دستگاه‌های ذی‌ربط اجرایی کرد؛ به‌خصوص در مناطق کمتر توسعه‌یافته

کشور. به نظر شایسته‌تر آن است که مانند سابقه‌ای که در خصوص تعیین حداقلی برای بودجه قوه قضاییه وجود دارد، حداقل بودجه برای معلولان پیش‌بینی شود که دولت کمتر از آن مبلغ حق پیشنهاد بودجه در لایحه بودجه سنواری را نداشته باشد. در اجرایی کردن این پیشنهاد باید دقت داشت که مطابق اصل ۴۸ قانون اساسی^۱ که بیان می‌دارد به هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم اختصاص داده شود، در همین زمینه نسبت بودجه اختصاص داده شده در مناطق کمتر توسعه یافته (مانند سیستان و بلوچستان) نسبت به سایر مناطق باید بیشتر باشد.

۶.۳.۱.۱. اصلاحات ساختاری

علاوه بر لزوم به تصویب رساندن قوانین حق محورانه، اجرایی کردن و نهاد مجری آن نیز بسیار حائز اهمیت است که دارای ساختاری منسجم و منظم باشد. نبود چنین ساختاری موجبات بی‌اثر شدن قانون و عدم حصول نتیجه مدنظر خواهد شد.

از جمله ساختارهای مجری حقوق افراد با آسیب‌بینایی، بنیاد شهید و ایثارگران که حدود ۷۰۰ فرد با معلولیت بینایی را تحت پوشش دارد، سازمان بهزیستی کل کشور و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه معلولان بینایی هستند. در پژوهش حاضر بر آنیم تا صرفاً به بررسی اصلاحات لازم در سازمان بهزیستی و سمن‌ها بپردازیم.^۲

۶.۳.۱.۱.۱. سازمان بهزیستی و نقش آن در حمایت از نابینایان

اصلی‌ترین نهاد متولی اجرای قوانین مربوط به نابینایان در ایران، سازمان بهزیستی بوده که با توجه بر اساسنامه آن عامل پیدایش چنین سازمانی اجرای اصل ۲۱ قانون اساسی بوده است. نکته شایان توجه آن است که بر اساس اصل یادشده، حیطة وظایف این سازمان بسیار بوده و ممکن است امور مربوط به

۱. اصل ۴۸ ق.ا: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور باید تبعیض در کار نباشد؛ به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشند.

۲. از آنجایی که موضوع افراد دارای معلولیت بینایی تحت پوشش بنیاد شهید و ایثارگران ذیل قانون خدمات جامع ایثارگران باید بررسی شوند و پژوهش حاضر بر قانون حمایت از حقوق معلولان و کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت تأکید دارد، از این رو بررسی این افراد پژوهش مفصل جداگانه‌ای را طلبیده و در پژوهشی دیگر به این موضوع پرداخته خواهد شد.

نابینایان و سایر معلولان در بسیاری از موارد نادیده گرفته شود؛ از این رو لازم است علاوه بر تعیین وظایف هر یک از دستگاه‌های اجرایی در تحقق حقوق نابینایان توسط قانون معاونان متخصص و دارای تجربه کافی صرفاً در حوزه معلولان فعالیت کنند و مدیرانی نیز در این سازمان به منظور ساماندهی به امور مربوط به این بخش از جامعه در حوزه‌های متعدد پردازند. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهکارهایی که می‌توان در حوزه اصلاحات ساختاری در بهزیستی ارائه کرد، آن است که قانون جامعی در خصوص وظایف و اختیارات این سازمان و نوع سازماندهی امور آن به تصویب برسد تا علاوه بر آنکه سازمان بهزیستی ملزم به همکاری با سمن‌های متخصص در امور معلولان شود، وظایف و اختیارات معینی در راستای حمایت از حقوق معلولان از جمله افراد با معلولیت بینایی پیش‌بینی شود، البته این بدان معنا نیست که امور مربوط به این بخش از جامعه به صورت کامل به مراکز خصوصی فاقد تخصص و تجربه و بدون رعایت استانداردهای مربوطه واگذار شود.

۳.۱.۱. تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای قوانین حمایت از معلولان

در طول سالیان اخیر سازمان‌های مردم‌نهاد نابینایان در سراسر کشور ایجاد شده‌اند، اما به منظور تحقق اهداف تشکیل این سازمان‌ها باید سازوکارهای مشخصی تدوین شده و مانع مطالبه‌گری پراکنده و عدم حصول نتیجه شوند؛ در این صورت با انسجام این سازمان‌ها، سازمان بهزیستی و دیگر دستگاه‌های اجرایی نیز باید از مشورت‌های آنها جهت به انجام رساندن اقدامات مطلوب بهره‌برداری کنند.

۳.۱.۲. اصلاحات رفتاری

نگرش‌های موجود در جوامع خود به عدم تحقق حقوق نابینایان منجر می‌شود؛ چراکه اغلب نگرش حمایتی و خیریه‌ای بوده و نگرش حق‌محورانه به سبب ناآگاهی و فرهنگ‌سازی مناسب افراد وجود دارد. در همین زمینه باید دستگاه‌های متولی با برنامه‌ریزی صحیح و همچنین نابینایان با ابراز توانمندی و استعداد‌های خود و حضور فعالانه در اجتماع موجبات تغییر این نگرش را فراهم آورند.

مطابق فصل هفتم قانون حمایت از حقوق معلولان، سازمان صداوسیما مکلف است در هفته پنج ساعت از برنامه‌های خود را به امور معلولان اختصاص دهد. با توجه به پیش‌بینی چنین ظرفیتی، بهتر آن است که این سازمان صرفاً به دعوت از معلولان موفق اکتفا نکرده و موقعیتی را جهت طرح مطالبات و پیگیری حقوق آنها ایجاد کند. عملکرد سازمان صداوسیما در طول سالیان اخیر بسیار ضعیف بوده است؛ همانند به‌کارگیری اصلاحات نامناسب در توصیف افراد نابینا که موجب اعتراض تشکل‌های نابینایی را فراهم آورده است.

هریک از افراد جامعه با پذیرش مسئولیت اجتماعی خود می‌توانند به تحقق حقوق نابینایان یاری رسانند؛ از جمله این موارد می‌توان به صوتی نمودن آثار چاپی توسط افراد توانمند در این حوزه و یا اتخاذ تدابیر مناسب توسط سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور اجرایی کردن چنین مسئولیتی اجتماعی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.^۱

۷. نتیجه

فعالیت هر فرد در راستای توسعه کشور، نیازمند حضور او در عرصه‌های مختلف جامعه است. با توجه به آمارهای ارائه شده از سوی وزارت علوم و سازمان بهزیستی افراد دارای آسیب بینایی در کسب تحصیلات عالی به موفق‌تر از سایر معلولان بوده‌اند و دارای توان و دانش قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌های مختلف به‌خصوص در رشته‌های مربوط به علوم انسانی هستند. باید دقت داشت که شخص نابینا نیازمند امکانات ویژه‌ای است تا انگیزه فعالیت در جامعه برای او تقویت شود. این امکانات می‌تواند در زمینه‌های مختلف آموزش، اشتغال مناسب و یا حمایت‌های روحی و ذهنی مانند توجه به حق تفریح و فراغت نابینایان باشد. در نتیجه باید از طرق مختلف مانند قانونگذاری شایسته به‌واسطه دریافت مشورت برای قانون‌نویسی از افراد آگاه اعم از خود نابینایان و دیگران به منظور دستیابی به جامعه‌ای برابر و فاقد تبعیض صورت پذیرد، چراکه قانون حمایت از معلولان خود گام بلندی برای تحقق هدف مذکور با تمام کاستی‌های خود محسوب می‌شود؛ همچنین اجرایی کردن کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت و پذیرش معاهده مراکش را می‌توان از مؤثرترین راهکارها به منظور دستیابی به الگوی مطلوب نظام حقوقی حمایتی نابینایان دانست.

در نهایت با وضع مقررات لازم‌الاجرا در زمینه موارد بیان شده در این پژوهش و اجرایی کردن مفاد قانون و کنوانسیون حتی بدون نیاز به اختصاص بودجه کلان، تنها به‌واسطه برنامه‌ریزی شایسته می‌توان به بخش عمده‌ای از مطالبات نابینایان دست یافت و امکان بهره‌مندی از این افراد به منظور توسعه و پیشرفت کشور فراهم خواهد آمد.

۱. مشابه فعالیت کمیته صوت سپید مؤسسه توسعه حقوق فقرزدایی در صوتی کردن قوانین و مقررات و مقالات روز.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. مرادزاده، حسن (۱۳۹۵). *کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان و اجرای آن در ایران*. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲. نباتی، نگار (۱۳۹۸). *حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر*. چ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی مؤسسه توان‌بخشی ولیعصر.

ب) مقالات

۳. اطلسی، رشاء (۱۳۸۵). فناوری اطلاعات در جست‌وجوی بهترین روش یادگیری برای معلولان. مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش فناوری اطلاعات و معلولیت با رویکرد به نابینایان، ص ۳۷.
۴. حبیب‌نژاد، سید احمد و عامری، زهرا (۱۳۹۸). نقش مشارکت مردم در وضع مقررات شهری با مطالعه تطبیقی در حقوق غرب و ایران. *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلامی و غرب*، ۶(۳).
۵. حبیب‌نژاد، سید احمد و سعید، سیده زهرا (۱۳۹۶). لزوم گذار از تعهد به وسیله به تعهد به نتیجه در تفسیر تعهدات دولت در اصل ۳ قانون اساسی. *فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی*، ۵۳.
۶. شاکری، زهرا (۱۳۹۸). معاهده مراکش تحولی در نظام حقوقی مالکیت فکری سخنی در استثنای استفاده معلولان. *فصلنامه مطالعات حقوقی حقوق خصوصی*، ۶(۱۸)، ۲۶۵-۲۸۴.
۷. مقامی، امیر و شاکرمی، مریم سادات (۱۳۹۷). حق تفریح و فراغت معلولان در پرتو اسناد بین‌المللی. *مجله مطالعات حقوقی*، دانشگاه شیراز، ۱۰(۱).
۸. هاشمی، سید محمد؛ محسنی، وجیهه؛ هاشمی، سید محمد؛ جاوید، محمد جواد؛ عباسی، بیژن (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی نسبت‌سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۲۱(۶۲).

ج) پایان‌نامه‌ها

۹. افزاء، ستار (۱۳۸۹). وضعیت اشتغال و رضایت شغلی دانش‌آموختگان نابینای شاغل در شهر تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*.
۱۰. عابدینی، زهرا (۱۳۹۹). *الگوی مطلوب نظام حقوقی حمایتی نابینایان در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مفید.
۱۱. یزدانی، صادق (۱۳۹۵). شرایط موانع و آثار حقوقی الحاق ایران به معاهده مراکش در حمایت از نابینایان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم*.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Benedicte (2007). *Disability in Local and Global Worlds*. University of California Publisher.. Reynold, Susan, Whyte.
2. Black's Law Dictionary (2011). fourth Pocket Edition. Bryan A. Garner Registered In USPTO.
3. Buchanan, A. (2010): *Human Rights, Legitimacy, & The Use of Force*, Oxford University press.
4. Klaus Dieter (2006). "The protection of The Rights to Education by International Law, Martinus Nijhoff Publisher and Vsp.p.17
5. Quin, G., & Degener, T. (2002). *Human Right and Disability*. United Nations, publication.
6. Rehman, Javaid (2010). *International Human Right Law*. Pearson Publisher, Secound Edition.

B) Website

7. www.who.int
8. www.behzisti.ir
9. <https://divan-edalat.ir>

References in Persian:**A) Books**

1. Muradzadeh, H. (2015). *International Convention on the Rights of Disabled Persons and its Implementation in Iran*. first edition, Tehran, Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research Publications (In Persian).
2. Nabati, N. (2018). *Supporting Persons with Disabilities in the International Human Rights System*. First Edition, Publications of the Legal Studies and Research Institute of the Valiasr Rehabilitation Institute (In Persian).

B) Article

3. Atlasi, R. (2016). Information technology in search of the best learning method for the disabled. a collection of selected articles of the first conference on information technology and disability with an approach to the blind (In Persian).
4. Habibnejad, Seyed A., & Ameri, Z. (2018). The role of people's participation in establishing urban regulations with a comparative study of western and Iranian law. *Quarterly Journal of Comparative Islamic and Western Law*, 6(3) (In Persian).
5. Habibnejad, S. A. & Saeed, S. Z. (2016). Transitioning the necessity from obligation by means to obligation to result in the interpretation of the government's obligations in the third principle of the Constitution. *Scientific Research Quarterly of Islamic Law*, 53 (In Persian).
6. Shakri, Z. (2018). Morocco Treaty, a change in the legal system of intellectual property, a comment on the exception of the use of the disabled", *Quarterly Journal of Legal Studies of Private Law*, 6(18) (In Persian).
7. Maggi, A., & Shakrami, M. S. (2017). The right to recreation and leisure of disabled people in the light of international documents. *Journal of Legal Studies*, Shiraz University, 10(1) (In Persian).
8. Hashemi, S. M. et al. (2018). Legal analysis of proportionality of public access to information by realizing citizenship rights with emphasis on Iran's legal system. *Public Law Research Quarterly*, 21(62) (In Persian).